

قواعد عمومی مجازات در خشونت خانگی علیه زنان



عکس: United Nations Development

وکیل و پژوهشگر - محمد اولیایی فرد

یکی از بحران‌های اجتماعی پیش رو جوامع مختلف از جمله ایران است که زمینه و علل آن را می‌توان در خشونت خانگی علیه زنان ۳۹۹۱، خشونت علیه بر اساس تعریف سازمان ملل متحد در سال ضعف‌ها و کاستی‌های فرهنگی، اجتماعی و حقوقی جستجو کرد هرگونه رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب یا با احتمال آسیب جسمی، جنسی یا روانی مضر و با رنج «زنان عبارت است از: با توجه به این تعریف چنانچه این اعمال در محیط خانه و نسبت به همسر صورت گیرد موضوع خشونت خانگی یا همسر «زنان همراه شود آزاری محقق می‌گردد، که از مهمترین ابعاد آن می‌توان به خشونت جسمی، کلامی، روانی و اقتصادی اشاره کرد.

زن و شوهر مکلف" اما در ایران خشونت خانگی علیه زنان به طور اختصاصی تعریف قانونی نشده، ماده 1103 قانون مدنی بیان می‌دارد اما ضمانت اجرای اختصاصی برای سوء معاشرت در قانون مطرح نشده است، شاید بتوان به مواد 1115 " به حسن معاشرت با یکدیگرند و 1130 قانون مدنی به عنوان ردپایی از پیش‌بینی خشونت خانگی علیه زنان در قوانین اشاره کرد، زیرا ماده 1115 قانون مدنی مقرر می‌کند و در صورت ثبوت مظنه‌ی ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و «معذوراست نفقه بر عهده شوهر خواهد بود. همچنین ماده 1130 قانون مدنی اذعان می‌دارد: بنابراین از آنجا که خشونت خانگی علیه زنان در حوزه «حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق نماید مستقل قانونی قرار نگرفته به همین جهت برای مهار و برخورد با آن لاجرم باید به قواعد و مقررات عمومی و ادله اثبات آن مراجعه کرد.

الف: قواعد و مقررات عمومی در برخورد با خشونت خانگی علیه زنان

طبق قانون، هرگونه ایراد صدمات بدنی عمدی ناشی از خشونت جسمی در مبحث قصاص و دیات. **خشونت جسمی: 1-**

مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی علیه یا ولی او و «در این خصوص ماده 386 قانون مجازات مقرر می‌دارد: همچنین ماده 387 در «صورت مطابق قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد. وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این جنایت بر عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو، جرح و صدمه‌های وارد بر منافع» تعریف جنایت بر عضو بیان می‌کند: «است»

هر چند باید توجه داشت که برای انجام قصاص توسط زنان قربانی خشونت جسمی محدودیت قانونی نیز در نظر گرفته شده است. بر این دیه زن و مرد در اعضاء و منافع «بین زن و مرد مقرر می‌دارد: در مقام بیان تفاوت دیه اعضاء 560 قانون مجازات اسلامی اساس ماده به همین جهت ماده 388 قانون «تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد یکسان است و چنانچه ثلث یا بیشتر شود دیه زن به نصف تقلیل می‌یابد. زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابرند و مرد به سبب آسیبی «مجازات اسلامی در خصوص قصاص عضو از سوی زن مقرر می‌دارد: که به زن وارد می‌کند، به قصاص محکوم می‌شود لکن اگر دیه جنایت وارد بر زن، مساوی یا بیش از ثلث دیه کامل باشد، قصاص پس از پرداخت نصف دیه عضو مورد قصاص به مرد، اجراء می‌شود. حکم مذکور در صورتی که مجنی علیه زن غیرمسلمان و مرتکب مرد غیرمسلمان باشد نیز جاری است. ولی اگر مجنی علیه، زن مسلمان و مرتکب، مرد غیرمسلمان باشد، مرتکب بدون پرداخت نصف دیه، «قصاص می‌شود»

بدنی عمدی با وجود تحقق شرایطی دارای جنبه عمومی نیز بوده و حتی با گذشت شاکه خصوصی، مانعی در جهت البته، ایراد صدمات «هرکس عمداً اجرای مجازات از باب مصالح اجتماعی نمی‌باشد. که در این خصوص ماده 614 قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کارافتادن عضوی از اعضاء یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات " تبصره این ماده نیز بیان می دارد " مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می شود. " فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد .

البته سخت به نظر می رسد که عدم اجازه خروج زن از منزل توسط شوهر و یا اساساً سلب آزادی از زنان را توقیف غیرقانونی خواند ولی علی رغم اینکه تا کنون در قوانین نسبت به خشونت در بستر زناشویی جرم انگاری نگردیده ولی شاید بتوان ارتباط جنسی مقعدی را نوعی از خشونت جسمی تلقی و پیگیری کرد.

انجامد. شود و به جسمی می: خشونت کلامی شاید رایج تر از خشونت جسمی باشد زیرا خشونت از کلامی آغاز می خشونت کلامی -2- کسانی که خشونت جسمی را تجربه می کنند، پیش از آن مورد خشونت کلامی قرار گرفته اند؛ توهین و فحاشی، افتراء و هتک حرمت، بدون لعان از مواردی است که به عنوان خشونت کلامی در قوانین کیفری بدون منظور داشتن نوع جنسیت قذف (نسبت دادن زنا یا لواط) توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال «قانون مجازات اسلامی توهین با عنوان کلی چنین مقرر گردیده: ۸۰۶ در ماده پیش بینی شده «ضربه ویا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود. ۴۷ الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا از تعرض اشخاص و شغل ، مسکن، حقوق، مال، جان حیثیت «مبنای این مجازات البته بر اصل 22 قانون اساسی است که مقرر می دارد: منع سایر خشونت ها نیز منبث از این اصل است. «تجویز کند. قانون که مگر در مواردی است مصون

3- خشونت اقتصادی در شکل عدم پرداخت نفقه شاید تنها موردی از خشونت خانگی علیه زنان باشد که قانون به خشونت اقتصادی : «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است. «1106 قانون مدنی بیان می دارد : لحاظ جنسیت آنرا مورد پیش بینی قرار داده ماده نفقه عبارت است از همهی نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، «ماده 1107 در توضیح نفقه مقرر می دارد: باید توجه داشت طبق «غذا، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج، به واسطه نقصان یا مرض. اصول حقوقی حاکم بر رسیدگی در دعاوی نفقه اصل بر عدم پرداخت نفقه است مگر آنکه خلافش ثابت گردد به همین جهت ماده 642 هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تادیه نفقه سایر « قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: البته باید توجه داشت که این ماده «اشخاص واجب النفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید. مختص به شکایت کیفری در مورد نفقه بوده که تنها برای یک نوبت در همراه قابل اعمال است ولی برای دریافت نفقه معوقه می بایست از طریق دادخواست حقوقی اقدام گردد. تعیین مقدار نفقه براساس عرف و نظر کارشناسان پرونده می باشد که معمولاً از مقدار واقعی نازل تر خواهد بود.

4- این نوع خشونت ها رایج تر از خشونت : خشونت های روانی بخش مهمی از خشونت علیه زنان را تشکیل می دهد خشونت روانی -4- های جسمی، کلامی و اقتصادی می باشد. قهر و کم محلی، چشم چرانی، تحقیر و سرزنش، بدبینی همسر، قطع رابطه جنسی ، ممانعت از اشتغال و تحصیل از جمله شایع ترین نوع خشونت روانی محسوب می گردد، این نوع خشونت از آنجا که در اکثر موارد قابل اثبات در محکمه نمی باشد از رنج آورترین نوع خشونت تلقی می گردد به همین سبب تنها هنگامی که خشونت روانی در قالب یک جرم عمومی قرار گیرد امکان رسیدگی قضایی به آن مسیر خواهد بود.

ادله اثبات دعوی ب :

تابع قواعد و مقررات عمومی مجازات می باشد لذا ادله اثبات دعوی آن نیز تابع قواعد و از آنجا که مهار خشونت خانگی علیه زنان مقررات عمومی است، ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه ، سوگند و علم قاضی است. در کلیه جرائم، یک بار اقرار کافی است، مگر در حدود، نصاب شهادت در کلیه جرائم، دو شاهد مرد است مگر در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می گردد، حدود و تعزیرات با سوگند نفی یا اثبات نمی شود لکن قصاص، دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرائم، با سوگند اثبات می گردد.

علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی طور صریح در حکم قید کند. است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به

مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی شود، نمی تواند ملاک صدور حکم باشد.